

## محمود درویش شاعر ملی فلسطین درگذشت



یارای آن ندارم که ضایعه را  
رو در رو بنگرم. چون گدایی بر درگاه ایستادم  
چطور می توانستم از بیگانه هایی اجازه ورود بخواهم که خفته اند  
بر تخت خودم... و برای پنج دقیقه دیدار از خودم  
به آنان التماس کنم؟ آیا باید به احترام خم شوم  
در برابر آنان که بر رؤیای کودکی ام منزل گرفته اند؟ آیا خواهند پرسید  
کیست این بیگانه ناخوانده ای که در می کوبد؟ و چگونه  
می توانم سخن بگویم از صلح و جنگ  
بین قربانیان و قربانیان قربانیان،  
بدون کلماتی اضافی و بدون جمله ای معترضه؟  
آیا به من خواهند گفت: جایی برای دو رؤیا  
در یک بستر نیست؟

شاعران بزرگ و ملی را می توان متفکران ملی جامعه های انسانی شمرد. محمود درویش، از جمله این متفکران است. شاعر ملی و زبان گویای مقاومت در سرزمین فلسطین، روز شنبه ۱۹ مرداد، پس از يك عمل جراحی قلب در تگزاس آمریکا، در سن ۶۷ سالگی جهان را بدرود گفت.

مانند بسیاری از فلسطینی ها و پس از نخستین جنگ میان اعراب و اسرائیل، محمود درویش در سال ۱۹۴۸، در سن ۶ سالگی به همراه خانواده اش مجبور شد روستای محل سکونت خود را ترک کند. اسرائیلی ها این دهکده را به آتش کشیدند و او و خانواده اش به لبنان پناهنده شدند. سرانجام پس از مقاومت های بسیار، این دهکده از دست اسرائیلی ها خارج شد و هنگامی که اهالی وارد دهکده شدند همه چیز از بین رفته بود. محمود درویش در جایی صحنه آوارگی خویش را این گونه می سراید: "به یاد دارم که شش ساله بودم. در دهکده ای آرام و زیبا زندگی می کردیم. خوب به یاد دارم در یکی از شب های تابستان که معمولاً عادت اهل ده عادت داشتند که روی پشت بام بخوابند مادرم ناگهان مرا از خواب بیدار کرد و دیدم که داریم با صدها تن از مردم دهکده در میان بیشه ها فرار می کنیم. گلوله های سربی از روی سر ما می گذشت ..."

وی از همان دوران نوجوانی در مبارزات مردم فلسطین شرکت کرد. در شهر حيفا به زندان افتاد و از آن پس مرتب گرفتار پلیس بود و مدتها باید خود را هر هفته به پلیس معرفی می کرد. پس از اتمام تحصیلات، در شهرهای اشغالی و از سال ۱۹۶۱ فعالیتش را به عنوان روزنامه نگار آغاز کرده و تا مدتی روزنامه الاتحاد را سردبیری کرد. وی تا سال ۱۹۶۹ چندین بار در زندان های درازمدت اسرائیل به سر برده است و بسیاری از زیباترین شعرهای او محصول همین زندان هاست. درویش در ۱۹۷۰ برای ادامه تحصیل سفري به مسکو کرد ولی در ۱۹۷۱ به قاهره بازگشت و در آنجا

به کار پرداخت و تا این زمان عضو فعال سازمان آزادیبخش فلسطین بود و تمام لحظه‌های زندگی‌اش وقف این مبارزه شد.

او به عنوان سردبیر مجله ماهانه «الشنون الفلستینیة» و سردبیر ارشد گاهنامه فرهنگی ادبی «الکرمل» چندی به فعالیت داشت. یکی از «مهم‌ترین ویژگی‌های شعر درویش مسأله تحدی (مبارزه طلبی) است. این بی‌مایه که در بیشتر کارهای او دیده می‌شود در سه بعد اصلی قابل مشاهده است: بعد فردی و قهرمانی، بعد قومی و بعد تاریخی - انسانی.» محمود درویش می‌نویسد: «در وضعیت‌های بحرانی و مصیبت‌های انسانی نویسنده باید در زندگی واقعی هم نقشی اخلاقی ایفا کند تا هم از لحاظ ادبی به کمال نزدیک شود و هم آگاهی عمومی را به سمت ارزش‌های والاتر رهنمون سازد، که این دومی جامعه را نسبت به حق آزادی حساس می‌کند. اقدام امروز شما پیام انسجام و همدردی را به ملت ما منتقل کرد.» و در این میان هیچ چیز روشن‌تر از حقیقت فلسطینی و حقوق فلسطینیان نیست: این کشور ما است، و ما حالا در بخش کوچکی از بخشی از سرزمین مادری‌مان حضور داریم؛ سرزمین واقعی ما، نه کشور اسطوره‌ای‌مان. این اشغال، یک اشغال از طرف خارجی‌ها است و نمی‌توان نام دیگری بر آن گذاشت.»

او تاکید می‌کند: «ما راه‌حل سیاسی مبتنی بر اصل دو ملت - دو کشور را پذیرفته‌ایم. ما تنها بر حق‌مان برای زندگی عادی، برای داشتن کشوری مستقل، در زمین‌هایی که در سال ۱۹۴۷ اشغال شدند پای فشرده‌ایم، که بیت‌المقدس شرقی را دربرمی‌گیرد. باید راه‌حلی عادلانه برای مشکل پناهندگان پیدا شود و باید شهرک‌سازی استعمارگرانه به پایان برسد. این تنها مسیر واقع‌گرایانه برای دستیابی به صلح و پایان چرخه باطل مرگ و خشونت است.»

محمود درویش در باره راه حل منازعه فعلی در سرزمین فلسطین می‌نویسد: «وضعیت کنونی کشور ما نیاز به توضیحی ندارد؛ اوضاع آنچنان که اسرائیلی‌ها می‌گویند داستان دو ملت نیست؛ ماجرا، ماجرای اشغال است. مقاومت در برابر اشغال نه تنها حق که وظیفه انسانی ماست که وضعیت ما را از بردگی به آزادی تغییر می‌دهد. کوتاه‌ترین راه برای دستیابی به صلح، آزادی فلسطینیان از اشغال است و آزادی اسرائیلی‌ها از توهمی است که باعث می‌شود به فکر کنترل زندگی دیگر مردمان بیفتند. اشغال اعلام جنگی است به زندگی عادی ما، به رویاهای ما و حتی به بدن‌های ما. با این همه ما درد بی‌درمانی داریم به اسم امید. امید به آزادی و استقلال. امید به زندگی عادی که در آن ما نه قهرمانیم و نه قربانی. امید به اینکه کودکان ما با آرامش به مدرسه بروند و زنان باردار در آرامش بچه به دنیا بیاورند؛ آن هم در بیمارستان و نه در ایست بازرسی. امید به اینکه شاعر به جای خون، زیبایی را ببیند و رنگ سرخ گل‌ها را و امید به اینکه رام‌الله دوباره شهر عشق شود و آرامش.»

وی در اعتراض به امضای قرارداد اسلو در سال ۱۹۹۳، از عضویت سازمان آزادی بخش فلسطین استعفا داد. محمود با تمام وجود خواهان صلح بود. این ظنین صلح خواهی وی تا حدی عمیق بود که در سال ۲۰۰۰ یکی از وزیران دولت اسرائیل پیشنهاد داد که شعرهای درویش وارد برنامه درسی مدارس اسرائیلی شود ولی این پیشنهاد به مرحله اجرا در نیامد.

درویش سرودن را از زمانی که در مدرسه در حال تحصیل بود شروع کرده بود و نخستین مجموعه آثارش در سال ۱۹۶۰ منتشر شد یعنی زمانی که تنها نوزده سال داشت. با دومین مجموعه اش برگ های زیتون (اوراق الزیتون) ۱۹۶۴ به عنوان یکی از شاعران پیشرو شعر مقاومت شناخته شد. جایزه ابن سینا، جایزه لوتس از انجمن نویسندگان آفریقا-آسیایی، جایزه هنرهای حماسی فرانس و مدال آثار ادبی و جایزه آزادی فرهنگی از بنیاد لبنان و همین اواخر نیز (نوامبر ۲۰۰۳) جایزه ناظم حکمت به وی اعطا شد. شاید قصیده «بنویس من عربی ام و شماره کارت هویت ۵۰ هزار است» شناخته شده‌ترین قصیده او باشد و «روزنوشتهای زخم یک فلسطینی»، «به مادرم» و «احمد الزعتر» از دیگر قصاید مشهور سیاسی او است. ... «آخرین اثر شعری او "اثر پروانه" نام داشت که اوایل سال جاری چاپ شد. روانش شاد باد!